

فهم تجربه تغییر یکباره مکان؛ حس مکان ساکنان و کسبه خیابان پیاده‌راه‌شده ۱۷ شهریور تهران^۱

جهانشاه پاکزاد^۲

استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی

شمین گلرخ^۳

کلیدواژگان: حس مکان، تغییر مکان، فضای همگانی.

چکیده

ثبات نسبی مکان‌ها برای فرد نیز حس ثبات، آشنایی، و پیش‌بینی‌پذیر بودن محیط زندگی‌اش و در نتیجه حس امنیت در پی دارد. و برعکس، تغییرات سریع مکان، وقتی خارج از کنترل فرد رخ می‌دهند، می‌تواند سلامت روانی او را به خطر بیندازد. تغییراتی که در پی طرح پیاده‌راه‌سازی خیابان ۱۷ شهریور تهران رخ داده نیز برای ساکنان و کسبه این خیابان یکباره و بدون دخالت ایشان بوده است، به گونه‌ای که زندگی جاری در بافت پیرامون این خیابان هنوز دوره التهاب پس از تغییرات را پشت سر گذاشته است. در این پژوهش، با رویکرد پدیدارشناسی و به کمک مفهوم حس مکان، تلاش در یافتن پاسخ این سؤال بوده است که مردمی که زندگی‌شان با این خیابان گره خورده، تغییرات یکباره آن را چگونه تجربه و طی می‌کنند و ابعاد شکل‌دهنده تجربه ایشان کدام است؟ این پژوهش با اتکا بر روش پژوهش نظریه زمینه‌ای، به تفسیر توصیف‌هایی پرداخته شده است که طی مصاحبه با ۲۰ نفر از ساکنان و کسبه مستقر در خیابان ۱۷ شهریور و بر اساس پرسش‌نامه‌ای باز به دست آمده است. «اعتبار مکان، سرانجام

مکان، برجسته‌سازی هدفمند، تعمیم حس مکان، و حضور "آن‌ها" ۵ مقوله به‌دست‌آمده‌ای هستند که با آن‌ها تجربه شرکت‌کنندگان توصیف و در چارچوب مدلی پارادایمی، فرایند شکل‌گیری «تجربه ابهام در همگانی بودن مکان» مقوله هسته‌ای تعریف می‌شود. یافته‌های این پژوهش اهمیت بُعد سیاسی تغییرات را در کنار ابعاد فضایی و زمانی در حس مکان ساکنان و کسبه نمایان می‌کند.

۱. مقدمه

در طراحی یک مکان و تبیین چشم‌انداز آینده آن، ضرورت اندیشیدن، به اینکه آن مکان قرار است «چگونه جایی» برای «چه کسانی» باشد و گروه‌هایی که با امروز آنجا درگیر هستند چه جایگاهی در آینده آن و تغییرات پیش رو خواهند داشت، امری بدیهی است. چه بسا اقداماتی کوچک در یک مکان می‌تواند پیامدهایی جدی برای گروه‌های اجتماعی وابسته به آنجا به‌همراه داشته باشد. امروزه همه می‌دانیم که منظور از مکان تنها یک موقعیت جغرافیایی نیست، و می‌دانیم که انسان طی تجربه مکان‌ها احساس‌ها و معناهایی را به محیط

۱. این مقاله برگرفته از پژوهش شخصی مشترک نگارندگان است.

2. Jahanshahpakzad.u@gmail.com

۳. دانش‌آموخته دکتری طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی. نویسنده مسئول؛ sh.golrokh.ud@gmail.com

پرسش‌های تحقیق

۱. در تجربه ساکنان و کسبه خیابان ۱۷ شهریور چه مقوله‌هایی توصیفگر تجربه تغییر یکباره مکان است؟
۲. پیاده‌راه ۱۷ شهریور، این فضای همگانی، برای ساکنان و کسبه آن چگونه جایی است؟
۳. مقوله‌های به‌دست‌آمده معرف چه ابعادی در تجربه تغییر یکباره مکان هستند؟

زندگی شده خود الصاق و بر اساس آن رفتار می‌کند. از این رو مکان‌ها برای او نقاط مرجعی ذهنی هستند که وی را به دنیای پیرامونش وصل می‌کنند. براون و پارکینز^۴ در این باره تعبیر لنگرگاه‌های زندگی^۵ را به کار برده‌اند؛ لنگرگاه‌هایی که به فرد می‌گویند کیست و به چه جاها، چیزها، افراد، و گروه‌هایی تعلق دارد. ثبات نسبی مکان‌ها برای فرد نیز حس ثبات، آشنایی، و پیش‌بینی‌پذیر بودن محیط زندگی و در نتیجه حس امنیت را در پی دارد؛ وقتی مکان‌ها سر جایشان باشند، انگار بر این دنیای پراتفاق نظمی حاکم است.

فرد و مکان هر دو پیوسته در حال تغییر هستند. رابطه فرد با مکان‌ها نیز تغییر می‌کند؛ به همین خاطر دائم نگران این‌همانی خود و مکان است. به طور مثال در زندگی اغلب افراد مکان‌هایی را به دلایلی ترک کرده‌اند، چون چیزی تغییر کرده بود. این تغییرات گرچه با هر لحظه از زندگی فرد آمیخته است، گاهی به گونه‌ای یکباره رخ می‌دهند که از کنترل وی خارج می‌شود و برای درک وضعیت خود مقایسه میان شرایط پیش و پس از آن تغییر و تأثیر آن بر زندگی‌اش برایش مهم می‌شود، تا بتواند در قبال آن تصمیم بگیرد. وضعیت سال‌های اخیر خیابان ۱۷ شهریور نیز این‌گونه است.

اخبار پیرامون خیابان تازه‌پیاده‌راه‌شده ۱۷ شهریور گویای آن است که هنوز پس از سه سال شرایط ثبات و آرامش مورد نیاز را به دست نیاورده است. افزون بر آن، سهم آن از زندگی روزمره محلی‌ها از یک سو و مراجعان از سوی دیگر در نوسان است. این خیابان که تا سه سال پیش خیابانی عبوری در هم‌جواری با پهنه‌های مسکونی بود، حتی در ادای وظیفه اصلی‌اش نیز موفق عمل نمی‌کرد. جایی که توقع می‌رفت در آن آسایش، آرامش، و نیازهای روزمره ساکنان در اولویت باشد، مسیری عبوری و پرتراфик بود. تمرکز نمایشگاه‌های خودرو در این خیابان نیز در حای خود تقویت‌کننده این اغتشاش بود. اما یکباره تصمیم بر آن شد که این خیابان به پیاده‌راه تبدیل شود، مکانی که توقع می‌رود نقش تفرجگاهی سرزنده را بازی کند که فراتر از ساکنان منطقه، غیرمحلی‌ها را نیز به سوی خود بکشاند.

اواخر سال ۱۳۹۰ شهرداری تهران تصمیم به ساخت زیرگذر میدان امام حسین^(ع) گرفت. پیاده‌راه کردن خیابان ۱۷ شهریور تا میدان شهدا نیز از اقداماتی بود که در دستور کار قرار گرفت. مشاور پیشنهاددهنده این طرح معتقد بود که با توجه به بافت اجتماعی سنتی و مذهبی این منطقه، می‌توان، با پیاده‌راه

4. B. Brown & D. Perkins, "Disruptions in Place Attachment", p. 280.
5. Anchors in Life

موفقیت هر طرحی نسبی است و برای قضاوت درباره آن باید صبور بود، اما به هر حال زندگی روزمره منتظر گذشت زمان نمی‌ماند و ساکنان و کسبه این خیابان وضعیت فعلی را هر روز تجربه می‌کنند. هرگونه اقدامی در این بازه نیازمند شناخت ماهیت چنین تجربه روزمره‌ای است.

آنچه در این مقاله مبنای پژوهش قرار گرفته، ضرورت فهم آن است که مردمی که زندگی‌شان با این مکان گره خورده، این دوره گذار یا تبدیل را چگونه تجربه و طی می‌کنند. برای ایشان پیاده‌راه ۱۷ شهریور چگونه جایی است؟ هدف از این پژوهش شناخت ابعاد شکل‌دهنده تجربه ساکنان و کسبه این خیابان در تغییرات یکباره آن است. در این پژوهش از مفهوم حس مکان^۶ کمک گرفته شده است. منظور از حس مکان معنایی (مثبت و منفی) است که فرد یا گروه به مکانی مشخص الصاق می‌کنند. در این پژوهش، در مرور ادبیات حس مکان و مفاهیم هم‌پیوند با آن، بر موضوع تغییرات مکان تمرکز شده است. این پژوهش برای فهم تجربه زندگی شده مردم، با استفاده از روش پژوهش نظریه زمینه‌ای^۷، به مدلی پارادایمی^۸ دست یافته است که در آن، به کمک مقوله‌های به‌دست آمده، ماهیت تجربه تغییر یکباره مکان توصیف و فرایند وقوع آن توضیح داده می‌شود. داده‌های پژوهش طی مصاحبه با شماری از ساکنان و کسبه مستقر در خیابان ۱۷ شهریور و بر اساس پرسش‌نامه‌ای باز به دست آمده است.

۲. مرور ادبیات نظری؛ تجربه تغییر مکان

در دهه‌های اخیر، به‌ویژه در دو حوزه دانش جغرافیا و روان‌شناسی محیطی، توجه ویژه‌ای به فهم معنای مکان و مطالعه رابطه احساسی انسان با مکان‌ها شده است. در تعریف توان^۹ که امروز از نظریه پردازان کلاسیک این حوزه از مطالعات به‌شمار می‌آید. فضا^{۱۰}، که چیزی انتزاعی و فاقد تشخیص است، زمانی به مکان تبدیل می‌شود که توسط انسان تجربه یا زندگی شود و با انباشت

کردن خیابان مزبور، آن را به مرکز برگزاری مراسم‌های مذهبی و ارزشی تهران تبدیل کرد. گرچه در همان زمان به این پیشنهاد انتقاد شد و اعضای شورای سوم شهر تهران با آن مخالفت کردند، اما سرانجام با اصرار شهرداری تهران طی تنها چند ماه اجرا شد؛ خیابان ۱۷ شهریور را سنگ‌فرش و محوطه‌آرایی کردند و تردد خودروها در آن ممنوع شد. شهرداری برای تقویت چهره آیینی- مذهبی این محدوده تلاش زیادی کرده است. در مناسبت‌های مذهبی فضای میدان و خیابان تجهیز و مراسم با مدیریت مستقیم نهادهای دولتی برگزار می‌شوند. اما این همه ماجرا نیست. از همان آغاز پروژه اعتراض کسبه خیابان شروع شد و این اعتراضات آن قدر بالا گرفت که چندی پیش به تحصن آن‌ها مقابل شورای شهر تهران و پس از آن مقابل مجلس شورای اسلامی کشید. با بسته شدن خیابان به روی خودروها بسیاری از نمایشگاه‌های خودرو تعطیل شده‌اند و سرعت و روند جانشینی فعالیت‌های جدید چندان مطلوب نیست. شهرداری طی دو سال گذشته برای سرزنده کردن و کشاندن مردم به این خیابان راهکارهایی، مانند برپا کردن بازارچه‌های موقتی، را آزموده است، اما نتیجه چندان رضایت‌بخش نبوده است.

پیاده‌راه کردن، با هدف اولویت دادن به پیاده‌ها و الگوهای رفتاری آن‌ها راهکاری است همسو با پارادایم‌های امروز. درباره خیابان ۱۷ شهریور نیز حذف سواره و آلودگی‌های آن از محیط زندگی مردم، و فراهم کردن بستری که شهروندان را از دیگر مناطق تهران با هدف گردش و وقت‌گذرانی به این مکان بکشاند و ارزش و وجهه این منطقه را ارتقا دهد، در غایت خود قابل دفاع است. اما نکته آنجا است که به هر حال زندگی افرادی با وضعیت پیشین این مکان گره خورده بود. در وضعیت فعلی که می‌توان آن را تبدیل یکباره مکان به مکانی دیگر دانست، خیابان در جوار بافت مسکونی پیرامونش همچنان در دوره التهاب به سر می‌برد و هنوز خبرهایی مبنی بر سردرگمی مدیریت شهری درباره این خیابان به گوش می‌رسد. بی‌شک

6. Sense of Place

7. Grounded Theory

8. Paradigmatic Model

۹. Space: مجموعه روابط ادراکی

میان نقاط به صورت متوالی

10. Place

11. Yi-Fu. Tuan, *Topophilia*, p. 33.

۱۲. نک:

Tuan, *Topophilia*; idem, *Space and Place*; G. Bachelard, *The Poetics of Space*; Relph, "Geographical Experiences and Being-in-the World"; D. Seamon, "The Phenomenological Contribution to Environmental Psychology"; idem, "Emotional Experience of the Environment".
13. Bradley S. Jorgensen, R. Stedman, "Sense of Place as an Attitude: Lakeshore Owners Attitudes toward their properties", p. 233.

۱۴. نک:

Relph, *Place and Placelessness*.
15. Place Meaning
16. Place Identity
17. Place Attachment
18. Rootedness
19. Place Dependence
20. Disruption (Brown & Perkins, "Disruptions in place attachment").
21. Threaten to Place-identity (M. Bonaiuto, G.M. Breakwell & I. Cano, "Identity Processes and Environmental Threat")

مداوم احساس، معناهایی عمیق را درون خود ذخیره کند^{۱۱}. توان و دیگر پدیدارشناسان مکان پژوهشگران را به چرخشی نظری فراخواندند تا با پرهیز از تقلیل مکان به یک ابژه یا فضا، به فهم دنیای زندگی و تجربه زندگی شده روی آورند^{۱۲}. از آن پس مفاهیم و تعاریف مختلفی از سوی نظریه‌پردازان در توصیف و توضیح رابطه احساسی فرد با مکان‌ها مطرح شده است که هر یک بر جنبه‌ای از این رابطه بیشتر تمرکز دارد. اما مفهوم حس مکان عمدتاً مفهومی فراگیر دانسته می‌شود که جنبه‌های مختلف این رابطه را در خود جای می‌دهد. استدمن حس مکان را معادل مجموعه معناهایی می‌داند که فرد یا گروه به مکانی مشخص الصاق می‌کنند^{۱۳}. در تعریف رلف حس مکان به آگاهی وسیع فرد نسبت به یک مکان می‌انجامد، از بازشناسی مکان و آگاهی فرد از موضع خود نسبت به آن، تا حس پیوندی عاطفی، یا پیوندی عمیق به آن مکان، به مثابه زیربنای هویتش^{۱۴}.

در متون روان‌شناسی محیطی به طور کلی مفهوم حس مکان ناظر بر دو موضوع اصلی است. نخست معنای مکان^{۱۵}، یعنی معناهایی که فرد به واسطه آن‌ها مکان را تصور و توصیف می‌کند. معنای مکان عمدتاً در پاسخ فرد به سؤالاتی توصیفی جستجو می‌شود، مانند «این مکان چه معنایی برایت دارد؟» یا «این مکان چگونه جایی است؟». و دوم، نوع احساس و عمق رابطه فرد با مکان؛ یعنی تصور فرد از نسبتی که میان خود و آن مکان قائل است. مفاهیمی مانند هویت مکانی^{۱۶}، دلبستگی به مکان^{۱۷}، ریشه داشتن در مکان^{۱۸}، و وابستگی مکانی^{۱۹} به این جنبه می‌پردازند.

در این پژوهش در ارتباط با حس مکان، مرور مفاهیمی اهمیت می‌یابد که به تجربه تغییر مکان و سازوکارهای روانی چنین تجربه‌ای پرداخته‌اند. مفاهیمی مانند اختلال در دلبستگی به مکان^{۲۰} و تهدید هویت مکانی^{۲۱} از این جمله‌اند. پژوهش‌های انجام‌شده عمدتاً بر تغییراتی تمرکز داشته‌اند که با تجربه جابه‌جایی یا از دست دادن مکان همراه هستند. ترک اجباری

مکان در پی بلایای طبیعی و انسان‌ساخت و یا جابه‌جا شدن اجباری و اسکان دوباره، به خاطر برنامه‌های توسعه، از جمله اتفاق‌هایی هستند که می‌تواند با مخدوش کردن پیوند احساسی فرد با محیط زندگی‌اش سلامت روانی او را مختل کند. اما تجربه تغییر یکباره مکان تنها با جابه‌جایی رخ نمی‌دهد. به طور مثال ساخت‌وسازهای جدید در یک منطقه ممکن است از سوی برخی افراد آنجا تهدیدی برای حس مکان‌شان تلقی شود، چرا که تغییر بافت کالبدی محل زندگی، حس تداوم آن‌ها را مختل می‌کند و می‌تواند حس فقدان را به همراه داشته باشد. درباره خیابان ۱۷ شهر یور نیز چیزی یا کسی جابه‌جا نشده، اهالی و مکان هر دو همچنان حضور دارند، اما تغییرات مکان عمده و خارج از کنترل ساکنان و کسبه بوده است.

معناهایی که فرد را به یک مکان وصل می‌کند تعیین کننده آن هستند، که وی از چه تغییراتی حمایت و با کدام مخالفت کند. به طور کلی می‌توان گفت که هرچه حس مکان فرد عمیق‌تر باشد، نسبت به تغییرات مکان بیشتر واکنش نشان می‌دهد و برای حفظ وضع موجود تلاش بیشتری می‌کند. مفهوم «نه جلوی خانه من»^{۲۲} در توضیح رفتارهای اعتراضی مردم به مداخلاتی به کار می‌رود که در نزدیکی محل زندگی‌شان انجام می‌شود. زمانی که ساخت‌وسازهای جدید احساس پیشین افراد نسبت به مکان را تهدید می‌کنند، این رفتارها شکل رفتارهای دفاع از مکان به خود می‌گیرند^{۲۳}. در مطالعات این موضوع، حس کارآمدی^{۲۴} از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر رفتار دفاع از مکان دانسته شده است، منظور از کارآمدی تصور فرد از توانایی خود برای جلوگیری از تغییرات است. به طور مثال وقتی حس کارآمدی فردی یا جمعی افراد خیلی ضعیف باشد و خود را در تأثیر بر تصمیم‌گیری‌ها ناتوان ببیند، رفتار دفاعی بروز نمی‌کند و حتی ممکن است افراد از آن مکان دل بکنند^{۲۵}. رفتارهای دفاع از مکان سازوکاری اجتماعی و در کل پدیده‌ای مثبت تلقی می‌شود که می‌تواند به ظرفیتی اجتماعی برای حفظ مکان

22. NIMBY; Not In My Back Yard

23. Patrick Devine- Wright, "Rethinking NIMBYism: The Role of Place Attachment and Place Identity in Explaining Place-protective Action", p. 428.

24. efficacy

25. Ibid, p. 435.

26. Pro-environmental Behavior

27. A. Kudryavtsev, et.al, "Sense of place in environmental education.", p.235.

28. Brown & Perkins, ibid, p. 284.

29. Predictability

30. Desirability

31. Choice

32. D. Stokolos, et.al,

"Residential Mobility and Personal Well-being", p. 6.

33. Individual's history of life

34. Personal predisposition toward environmental change

35. Ibid, p. 6-7.

36. Spatial Context

37. Temporal Context

38. Pre-disruption

39. Post- disruption

40. Recovery

۴۱. نک:

M.L. Million, *It Was Home: A Phenomenology of Place and Involuntary Displacement as Illustrated...*

با توجه به نیازهای روزمره‌شان، تمرکز دارد و بعد زمانی بیانگر درک افراد از رابطه میان گذشته، حال، و آینده و تغییرات این رابطه است. افراد به لحاظ ذهنی شرایط فعلی خود را به مراحل پیش و پس از تغییر وصل و با هم مقایسه می‌کنند و از این طریق وضعیت خود را تفسیر و چاره‌جویی می‌کنند.

۲.۲. فرایند تجربه تغییر مکان

مطالعات موجود عمدتاً مراحل روانی پیشینی و پسینی برای بازه تغییر تعریف کرده‌اند. براون و پارکینز سه مرحله مشخص برای فرایند اختلال در دلبستگی به مکان برشمرده‌اند: (۱) مرحله پیش-اختلال^{۳۸}، که هنوز دلبستگی وجود دارد، ۲. مرحله اختلال، و استرس ناشی از فقدان دلبستگی، و ۳. مرحله پس-اختلال^{۳۹} یا بازبایی^{۴۰}، که فرد با فقدان دلبستگی کنار می‌آید و برای ساختن تعلقات جدید تلاش می‌کند. هرچه دلبستگی در مرحله پیش-اختلال بیشتر باشد، تأثیرات اختلال نیز شدیدتر خواهد بود. میلیون^{۴۱} نیز تجربه جابه‌جایی ناخواسته^{۴۲}، از مرحله مطلع شدن تا زمانی که فرد تعلقی جدید می‌سازد را یک سفر احساسی توصیف کرده است^{۴۳}. دواپن رایت^{۴۴} خود بازه اختلال را فرایندی در نظر می‌گیرد که مراحل دارد و به رفتاری از سوی فرد منتهی می‌شود. به گفته وی نخست فرد به طریقی از وقوع تغییرات مطلع می‌شود، سپس خبرها را تفسیر می‌کند تا آن‌ها را بفهمد^{۴۵}. در این مرحله میان گروه‌های موافق و مخالف ممکن است بحث و جدل رخ دهد. در مرحله بعد فرد به ارزیابی تغییرات از نظر فرایند تصمیم‌گیری^{۴۶} و همچنین نتایج^{۴۷} آن می‌پردازد تا مبنای تصمیم او برای حل مسئله شود، تصمیم بر این که مکان را ترک کند یا با وضعیت پیش‌آمده کنار بیاید. وی سپس اقدام به عمل می‌کند. رفتارهای فرد ممکن است از نوع دفاع از مکان^{۴۸} باشد. مانند نوشتن نامه اعتراض، نصب پلاکاردهای اعتراضی، جمع کردن امضا، شرکت در اعتراض‌های جمعی، و...^{۴۹}

تبدیل شود. به طور مثال در بخش مهمی از مطالعات این حوزه، با تمرکز بر اهمیت حفظ محیط زیست، به رفتار دفاعی مردم نسبت به از بین رفتن آن پرداخته شده است. در این باره مفهوم رفتار دوست‌دار محیط^{۴۶} مطرح شده است^{۴۷}.

تاکنون مطالعاتی، که در زمینه تجربه تغییر مکان انجام شده، بر فهم و توضیح دو موضوع اصلی متمرکز بوده‌اند. نخست محتوای تغییر، یعنی احساس و درکی که فرد از تغییرات دارد و عوامل و ویژگی‌هایی که بر این محتوا تأثیر می‌گذارند. و دوم، فرایند یا مرحله‌ای که فرد در گذار از تجربه تغییر و برای حفظ ساختن حس مکان جدید طی می‌کند.

۱.۲. محتوای تجربه تغییر مکان

در تعریف براون و پارکینز اختلال در دلبستگی به مکان زمانی رخ می‌دهد که تغییرات قابل توجه و خارج از کنترل فرد باشد^{۴۸}. وقتی اختلال اتفاق می‌افتد فرد می‌کوشد با تمسک به حداقل چیزهایی که برایش به جا مانده حس تداوم و ثبات خود را حفظ کند یا ممکن است تسلیم تغییرات شود و دست از مقاومت بکشد. برخی مطالعات بر این فرض استوارند که عواملی روان‌شناختی مانند پیش‌بینی‌پذیری^{۴۹} و تمایل^{۵۰} افراد نقش مهمی در کاهش تأثیرات جابه‌جایی و تغییر مکان بر سلامت ایشان دارد. همچنین از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار عامل قدرت انتخاب^{۵۱} افراد برای تغییر مکان دانسته شده است^{۵۲}. استوکولوس و همکارانش معتقدند برای مطالعه تأثیرات جابه‌جایی یا تغییر در مکان نباید تنها بر وضعیت بازه تغییر تمرکز کرد، بلکه سابقه و سرگذشت زندگی فرد^{۵۳}، پیش‌انگاشت‌های شخصی او درباره تغییر محیط زندگی^{۵۴}، و همچنین آرزوهای وی برای آینده نیز نقش مهمی بر چگونگی تجربه این بازه دارند^{۵۵}. از این رو استوکولوس و همکارانش در مطالعات خود بر هر دو بعد فضایی^{۵۶} و زمانی^{۵۷} تجربه تغییر مکان تأکید کرده‌اند. در تعریف ایشان بعد فضایی بر درک افراد از کیفیت‌های محیط جدید و رضایتمندی آن‌ها،

در مرز میان منطقه ۱۱ و ۱۲ شهرداری تهران است. کاربری غالب بافت پیرامون این خیابان مسکونی است. با توجه به اینکه خیابان مزبور میدان امام حسین و خیابان انقلاب را به میدان شهدا و خیابان پیروزی وصل می‌کرده است، مهم‌ترین نقش آن انتقال خودروهای گذری بوده است، از این رو نمایشگاه‌های خودرو پیش از این حضور پررنگی در بدنه این خیابان داشته‌اند. چهره امروز پیاده‌راه ۱۷ شهریور را می‌توان در ۳ سکانس توصیف کرد:

۱. حد فاصل میدان امام حسین و خیابان صفا، که متأثر از عملکرد میدان امام حسین و در پیوند با خیابان انقلاب و همچنین بازار شهرستانی هنوز بدنه فعال و پرتکاپویی دارد (ت ۱-۳).

۲. حد فاصل خیابان‌های صفا و شهبازی که عمدتاً حال و هوای مسکونی دارد. تمرکز نمایشگاه‌های خودرو در این بخش بیشتر بوده است و شاهد تعطیلی نمایشگاه‌ها و بعضاً مقاومت آن‌ها هستیم؛ تغییر بسیار کند کاربری‌ها باعث شده در اغلب بخش‌ها بدنه فضا غیرفعال شود. پیاده‌راه در این بخش به حیاطی محلی تبدیل شده است که با تاریک شدن هوا سوت‌وکور می‌شود. به فراخور فصل، به‌ویژه در روزهای تعطیل، مردم روی نیمک‌ها وقت می‌گذرانند و سنگ‌فرش خیابان به زمین بازی فوتبال یا دوچرخه‌سواری و دویدن بچه‌ها تبدیل می‌شود (ت ۴-۶).



درباره پروژه خیابان ۱۷ شهریور، با توجه به اینکه زمان زیادی از اجرای آن نگذشته، پرسش‌های هدایتگر این پژوهش بر فهم محتوای تجربه ساکنان و کسبه تمرکز داشته است نه فرایند یا مراحل گذار از آن. یعنی بر فهم و کشف اینکه چه ابعادی ماهیت چنین تجربه‌ای و حس مکان افراد در چنین وضعیتی را می‌سازند.

۳. معرفی مکان مورد پژوهش

خیابان ۱۷ شهریور در حد فاصل میدان امام حسین و میدان شهدا



42. Involuntary Displacement
43. Seamon, "A Way of Seeing People and Place: Phenomenology in Environment- Behavior Research", P. 161.

۴۴. نک:

- Devine-Wright, "Rethinking NIMBYism: The Role of Place Attachment and Place Identity in Explaining Place-protective Action".
45. to make sense
46. the process of decision making
47. outcomes
48. place-protection behavior
49. Devine- Wright, ibid, p 433-435.

ت ۱ (بالا). میدان امام حسین، مأخذ: نگارندگان.

ت ۲ (پایین، راست). دید از میدان به خیابان ۱۷ شهریور، مأخذ: نگارندگان.

ت ۳ (پایین، چپ). دید از خیابان به میدان امام حسین، مأخذ: نگارندگان.

یک پدیده را توضیح می‌دهد^{۵۳}. نظریه به دست آمده ریشه در پدیده مورد پژوهش و داده‌هایی دارد که طی تحلیل خود را نمایان می‌سازند. در این پژوهش نظریه بر اساس رویکرد نظام‌مند اشتراس و کوربین^{۵۴}، طی فرایند متوالی شناسه‌گذاری^{۵۵} (باز، محوری، و گزینشی) و ساخت مفاهیم و مقوله‌ها تولید شده است. جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها هم‌زمان انجام شده و فرایند تحلیل قیاسی و مقوله‌سازی تا مرحله اشباع نظری پیش رفته است، یعنی تا جایی که دیگر نمونه‌های جدید چیزی به مقوله‌های به دست آمده و روابط کشف شده میان آن‌ها اضافه

۳. حد فاصل خیابان شهبازی تا میدان شهدا که، پس از گذشت تنها چند ماه از اجرای طرح، به ناچار به روی سواره‌ها باز شد و همچنان شلوغ و پرتراфик سواره است، البته با سنگ‌فرشی که زیر فشار وزن خودروها دوام نخواهد آورد (ت ۷).

۴. روش پژوهش

هدف نظریه زمینه‌ای آن است که فراتر از تفسیر و توصیف پدیده، به تولید یا کشف^{۵۰} یک نظریه دست یابد. این نظریه طرح‌واره‌ای^{۵۱} انتزاعی و تحلیلی است که فرایند^{۵۲} شکل‌گیری

- 50. to Generate or Discover
- 51. An abstract analytical schema
- 52. Process
- 53. J.W. Creswell, *Qualitative Inquiry and Research Design*, p. 63.

۵۴. نک:

- A. Strauss & J. Corbin, *Basics of Qualitative Research: Grounded Theory, Procedures, and Techniques*.
- 55. Coding

ت ۴ (راست، بالا). تعطیلی نمایشگاه‌های خودرو، مأخذ: نگارندگان.
 ت ۵ (راست، پایین). حضور محلی‌ها، مأخذ: نگارندگان.
 ت ۶ (چپ، بالا). فرصتی برای بازی بچه‌ها، مأخذ: نگارندگان.
 ت ۷ (چپ، پایین). باز شدن بخش جنوبی خیابان به روی سواره‌ها، مأخذ: نگارندگان.



– چه ارزیابی‌ای درباره تغییرات و تأثیر آن‌ها بر زندگی‌شان دارند؟
 متن همه مصاحبه‌ها ضبط و سپس روی کاغذ پیاده شده است.
 در شناسه‌گذاری باز، بریده‌هایی از توصیف‌های شرکت‌کنندگان،
 که در راستای پرسش‌های پژوهش معنادار بودند، به هر دو شیوه
 سطر به سطر و پاراگرافی تحلیل شد و یادداشت‌های تحلیلی به
 منظور کشف مفاهیم و نام‌گذاری آن‌ها تهیه شد (ت ۹). مفاهیم
 به دست آمده بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌های محتوایی آن‌ها
 دسته‌بندی و بدین طریق مقوله‌ها به دست آمدند.

مدت سکونت/ اشتغال	نوع رابطه با مکان		سن	جنسیت		شرکت کننده
	کاسب	ساکن		مرد	زن	
۴۵ سال	✓	–	۶۵	✓	–	۱
۴۵ سال	✓	✓	۴۵	✓	–	۲
۳۶ سال	✓	–	۵۲	✓	–	۳
۳۶ سال	–	✓	۳۶	–	✓	۴
۱۰ سال	–	✓	۵۴	–	✓	۵
۱۱ سال	✓	–	۳۴	✓	–	۶
۷ سال	✓	–	۳۶	✓	–	۷
۲۸ سال	✓	✓	۵۶	✓	–	۸
۳۷ سال	✓	✓	۵۳	✓	–	۹
۷ سال	✓	–	۴۵	✓	–	۱۰
۳۷ سال	–	✓	۳۷	–	✓	۱۱
۲۵ سال	–	✓	۵۷	–	✓	۱۲
۲۸ سال	–	✓	۲۸	–	✓	۱۳
۲۰ سال	–	✓	۳۸	–	✓	۱۴
۱۱ سال	✓	–	۳۷	✓	–	۱۵
۱۰ سال	–	✓	۳۵	–	✓	۱۶
۱۰ سال	–	✓	۲۷	✓	–	۱۷
۴۰ سال	–	✓	۶۰	✓	–	۱۸
۲۰ سال	✓	–	۳۵	✓	–	۱۹
۱۵ سال	–	✓	۴۲	–	✓	۲۰

نمی‌کند. از این رو نمونه‌گیری نیز از نوع نمونه‌گیری نظری
 است، یعنی تعداد مشارکت‌کنندگان بستگی به آن دارد که
 نظریه چه وقت قوام یابد و از عهده پیچیدگی موضوع برآید.
 نظریه تولیدشده در قالب مدل پارادایمی معرفی شده است. در
 مدل مزبور مقوله یا پدیده هسته‌ای^{۵۶} به دست آمده نقش پدیده
 تجربه‌شده را بازی می‌کند و دیگر مقوله‌ها، با توجه به رابطه‌ای
 که با مقوله هسته‌ای دارند، نقش‌های زیر را می‌یابند^{۵۷}:

– شرایط علی^{۵۸}، عوامل یا علت‌های وقوع پدیده هستند،
 – شرایط زمینه‌ای^{۵۹}، شرایطی خاص هستند که زمینه وقوع
 پدیده را فراهم می‌کنند و بر آن تأثیر می‌گذارند،
 – استراتژی‌ها^{۶۰} یا تعاملات^{۶۱}، اعمال و استراتژی‌هایی هستند که
 فرد در پاسخ به پدیده به کار می‌گیرد،
 – پیامدها^{۶۲}، نتیجه استفاده از استراتژی‌ها هستند.

در این پژوهش داده‌ها بر اساس مصاحبه با ۲۰ نفر از
 ساکنان و کسبه خیابان ۱۷ شهریور به دست آمده است (ت ۸).
 نمونه‌ها از میان کسانی انتخاب شدند که دست کم ۱۰ سال
 سابقه سکونت یا اشتغال در این مکان را داشته باشند، تا تصویر
 منسجمی از گذشته خیابان، بافت اجتماعی آنجا، و روند تغییرات
 مکان در ذهن داشته باشند. همچنین تلاش شد تا نمونه‌ها
 به طور متعادلی هر دو گروه زنان و مردان را در بر بگیرد.
 از نظر سنی نیز نمونه‌ها از میان افراد بالای ۲۵ سال انتخاب
 شدند، با این فرض که استقلالی نسبی دارند و حجم وسیع‌تری
 از مسئولیت‌ها را در زندگی برعهده دارند، و از این رو ابعاد
 واقعی‌تری را در ارزیابی‌هایشان وارد می‌کنند. مصاحبه‌ها به
 صورت باز انجام شده، اما ۴ پرسش کلیدی راهنمای پژوهشگر
 در هدایت مصاحبه‌ها بوده است:

– شرکت‌کنندگان پیاده‌راه ۱۷ شهریور را چگونه جایی می‌دانند؟
 – در مقایسه میان وضعیت پیشین و فعلی بر چه موضوعاتی
 تأکید دارند؟

– از نظر آن‌ها چه چیزهایی تغییر کرده است؟

56. Core Phenomenon
 57. Creswell, *ibid*, P. 67;
 آزاده لک، «کاربرد نظریه زمینه‌ای در
 پژوهش طراحی شهری».
 58. Casual Conditions
 59. Contextual and
 intervening Conditions
 60. Strategies
 61. Interactions
 62. Consequences
 ت ۸. مشخصات شرکت‌کنندگان
 در پژوهش، مأخذ: نگارندگان.

بلکه بیانگر ارزیابی ایشان از چگونه رخ دادن این تغییرات، به منزله یک اتفاق و کلیت، است؛ به بیانی دیگر ارزیابی دلایل و چگونگی وقوع تغییرات و نقشی است که مردم و کسبه در آن داشته‌اند. در واقع توصیف جزئیات فضایی از سوی افراد، تنها شواهد و مثال‌هایی برای این ارزیابی بوده‌اند.

۵.۱.۱. اعتبار مکان

از درگیری‌های ذهنی افراد آن است که شهرداری به اعتبار چه دلایلی این تغییرات را انجام داده است. ساکنان و کسبه دلایل وجودی مکان جدید را به چالش می‌کشند و با برشمردن ضرورت‌ها و اولویت‌ها، «توجیه‌پذیری» تغییرات را ارزیابی می‌کنند. گروهی از آنچه رخ داده متعجب هستند و اهداف این پروژه را به نقد می‌کشند، چرا که از نظر ایشان این اهداف منطقی و پذیرفتنی نیست، یا «با عقل جور نیست». به طور مثال از بسته شدن یک خیابان به بهانه مکانی برای برگزاری آیین‌های مذهبی متعجب هستند: «آخر نه اینکه زندگی عده‌ای را نابود کنند و بگویند برای عزاداری درست کردیم»، و معتقدند زندگی مردم می‌بایست در اولویت قرار می‌گرفت: «... این‌ها به درد ما نمی‌خورد. ما آمده‌ایم اینجا یک لقمه نان بخوریم، نه اینکه دکور ببینیم. بله اگر نان باشد این هم در کنارش باشد عالی می‌شود...». برخی دیگر اما این پروژه را توجیه‌پذیر می‌دانند، چون اهداف مهم‌تری را دنبال می‌کند. به طور مثال معتقدند که «مذهبی‌تر کردن منطقه و جمع‌آوری همه گروه‌های مذهبی در یک مکان خیلی عالی است» و ضرورت دارد. اما هر دو گروه، با اشاره به سهمی که مردم این منطقه در تصمیم‌گیری‌ها داشته‌اند، به نوعی «مشروعیت مکان» را به چالش می‌کشند؛ اینکه تغییرات به خواست چه کسانی صورت گرفته است. اغلب به این موضوع اذعان دارند که «بدون اطلاع مردم این خیابان را به این شکل درآوردند»، و برخی به صراحت معتقدند: «این یک توهین به ما است. به ما ظلم شده است».

در شناسه‌گذاری محوری، رابطه میان مقوله‌های به دست آمده تفسیر و مقایسه، و خوشه‌هایی از مقوله‌ها تولید شد. هر یک از خوشه‌ها در رابطه با دیگر مقوله‌ها نقشی (شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، تعاملی، و پیامدی) می‌یابد که مدل پارادایمی را خواهند ساخت. در شناسه‌گذاری گزینشی، مقوله‌ها یکپارچه، و مقوله هسته‌ای یک پدیده شناسایی شد.

۵. یافته‌های پژوهش

۵.۱. مقوله‌های توصیفگر تجربه تغییر یکباره مکان

در پاسخ به پرسش اول پژوهش، ۵ مقوله اصلی به دست آمد که توصیفگر تجربه شرکت‌کنندگان است؛ «اعتبار مکان، سرانجام مکان، برجسته‌سازی هدفمند، تعمیم حس مکان، و حضور "آن‌ها"». آنچه در محتوای مقوله‌ها بارز شده، دلایل رضایت یا نارضایتی شرکت‌کنندگان از جزئیات فضایی تغییرات نیست،

همه/تعمیم می‌دهد

مقایسه گذشته و امروز مکان

تحلیل سطر به سطر:

قبلاً خیلی بهتر بود. شلوغ بود. تردد بود. اما الان بد شده. هم برای مسکونی‌ها و هم برای کسبه. یک نفر هم راضی به این قضیه نبود. یک نظرسنجی هم نکردند...

نادیده گرفتن نظر مردم

به اسم محور مذهبی این طرح را پیاده کردند. این‌ها منطقه‌ای را می‌خواستند در تهران برای خودشان، برای مراسم مذهبی خودشان، منطقه‌ای که مردمش هم مذهبی و هم سنتی باشند. اینجا جای دنجی است برایشان.

آن‌هایی که از ما نیستند/از اینجا نیستند

تضاد منافع

تحلیل پاراگرافی: وضعیت جدید خیابان را به ضرر ساکنان و کسبه و به نفع گروه‌هایی می‌داند که برای اهداف خود و بدون در نظر گرفتن نیازها و اولویت‌های ساکنان و کسبه تصمیم گرفتند: تصویرسازی از گذشته/مقایسه گذشته و امروز خیابان/تعمیم‌دهی ارزیابی خود به همه/حس نادیده گرفته شدن/آن‌ها/به نفع «آن‌ها» و به ضرر «ما»

۵. ۱. ۲. سرانجام مکان

شرکت‌کنندگان تصور روشنی از سرانجام مکان ندارند و حس «بلا تکلیفی مکان» در توصیف‌هایشان بارز است. نبود مشارکت فکری و یکبارگی تغییرات، حس پیش‌بینی‌ناپذیری آینده مکان را به دنبال داشته است، به گونه‌ای که انتظار هر تغییر عجیب دیگری را دارند و برای اقدامات بعدی و سرانجام ماجرا انتظار می‌کشند. «نوسان تصمیم‌های مدیریت شهری» نیز، که در توصیف‌هایشان با اشاره به اقداماتی از جنس آزمون و خطا- مثل باز کردن بخشی از پیاده‌راه به روی خودروها، استقرار دست‌فروشان و بعد جمع کردن آن‌ها، و... - همراه است، به این حس دامن زده است. صحبت از اینکه «خود مسئولان هم نمی‌دانند می‌خواهند چه بکنند» نشان از بی‌اعتمادی برخی به مدیریت تغییرات دارد. مردم روزانه خبرها را پی می‌گیرند و اختلاف نظرهای مسئولان برایشان نکته‌ای کلیدی است: «شورای شهر می‌گوید ما خبر نداشتیم و نباید شهرداری این کار را می‌کرد». همچنین تصور وجود «نیروهایی نامرئی» یا دست‌های پشت پرده نیز به این ابهامات قوت می‌دهد. ایشان عمدتاً تصور می‌کنند که واقعیت فقط این چیزی نیست که دیده می‌شود و خواست و اهداف کلان‌تری پشت این اتفاقات است. آن‌هایی که موافق تغییرات هستند به این خواست‌های از بالا اعتماد دارند و مخالفان خود را قربانی آن می‌دانند: «این‌ها منطقه‌ای را برای خودشان می‌خواستند. منطقه‌ای مذهبی برای مراسم‌های خود دولت، برای تجمع‌هاشان. جایی می‌خواستند که هم سنتی باشد، هم مذهبی... اینجا جای دنجی بوده برایشان».

۵. ۱. ۳. برجسته‌سازی هدفمند

در تجربه ساکنان و کسبه مقایسه میان وضعیت پیش و پس از اجرای این پروژه اهمیت دارد. ایشان، با گزینش و برجسته کردن برخی موضوعات، اغلب توصیفی اغراق‌آمیز بیان می‌کنند. در این راستا، با وجود آنکه زمان چندانی از اجرای پروژه نگذشته، اما در توصیف‌هایشان «تصویرسازی از گذشته» بارز است، به گونه‌ای

هدفمند گذشته‌ای را توصیف می‌کنند که انگار در تناقض با امروز بوده است. به طور مثال می‌گویند: «اینجا قبلاً زیاد مذهبی نبود. هیئت و تکیه زیاد نمی‌زدند». در صورتی که در واقعیت این‌گونه نبوده است. یا برخی افراد برای بیان تحمیلی بودن این پروژه، مردم این منطقه را بی‌نیاز از تسهیلات جدید می‌دانند:

ما قبلاً محرم که می‌شد مگر چه می‌کردیم؟ صبر می‌کردیم تا این‌ها بیایند اینجا را بسازند و عاشورا عزاداری کنیم؟ نه! هرکسی به هیئت خودش، با فامیل خودش می‌رفت. خیابان تعطیل می‌شد. میدان هم همین‌طور. هیچ اتفاقی نمی‌افتاد. در مسجد امام حسین یک برنامه‌ای اجرا می‌کردند و تمام می‌شد.

گزینش و برجسته‌سازی در «مقایسه سود و زیان» مردم از این پروژه نیز نقش مهمی بازی می‌کند. برخی نکات منفی را برجسته می‌کنند: «کاسبی کساد شده. سخت شده. اینجا هیچ چیز فرقی نکرده. فقط سنگ‌فروش شده. جای خلوت و سوت و کوری شده. دیگر نه به درد کاسبی می‌خورد نه زندگی». ایشان حتی اقدامات مثبت را باعث نامطلوبی مکان- به طور مثال افزایش ناامنی- می‌دانند: «از نظر فضایی بهتر شده، ولی شده محل خلایف. مواد مخدر زیاد شده. جاهای خلوت و دنج زیاد شده. لابه‌لای شمشادها محل دفن این‌جور چیزها است...». برخی دیگر نیز نکات مثبت را برجسته می‌کنند. مانند کاهش آلودگی هوا و سروصدای خودروها و اینکه «از وقتی خیابان بسته شده تصادف کمتر شده. برای بچه‌ها و مسن‌ترها هم بهتر شده. بچه‌ها بازی می‌کنند». گروهی نیز نکات مثبت و منفی را هم‌وزن می‌بینند و معتقدند: «از جهاتی خوب شده است و از جهاتی هم بد». به طور مثال ضمن اینکه حذف خودروها را خوب می‌دانند، اما به این نکته دائم اشاره می‌کنند که «اما نمایشگاه‌های ماشین ناراضی هستند چون ضرر کرده‌اند». یا به معیارهای بی‌طرفانه ارجاع می‌دهند، به طور مثال اینکه «... به هر حال امروزه در همه جای دنیا به پیاده‌راه کردن خیابان اهمیت می‌دهند».

این تغییرات بوده‌اند، یا از این تغییرات استقبال کرده و با آن همراه شده‌اند. از این نظر به فراخور موضع‌گیری افراد نسبت به مکان جدید، گروهی بر «فاصله‌گذاری میان خود و آن‌ها»ی فرضی تأکید دارند. به طور مثال درباره‌ی ایام مذهبی می‌گویند: «... عاشورا و تاسوعا یک سری را جمع می‌کنند می‌آورند اینجا... اهالی اینجا در کوچه‌ها و محله‌های خودشان هستند و مراسم می‌گیرند». از این موضع «آن‌ها» از «ما» نیستند، «می‌آورندشان»: «... چهارتا بچه مدرسه‌ای را جمع می‌کنند مجبوری با ماشین می‌آورند اینجا». در مقابل، افرادی که به «آن‌ها» اعتماد دارند یا می‌کوشند اعتماد کنند، نوعی حس «همسویی با آن‌ها» دارند. زیرا به طور مثال: «... برای من که دلم می‌خواهد مذهبی‌تر باشم خیلی خوب است. دوست دارم مردم و جوان‌ها آگاه‌تر بشوند». از نظر این گروه، مخالفان متوجه اهمیت اهداف این پروژه نیستند، «بعضی‌ها فقط غر می‌زنند و می‌خواهند برنامه‌های جامعه را عقب بیندازند». در این میان گروه سومی نیز هستند که بی‌طرفانه توصیف می‌کنند، قضاوت قطعی از نقش «آن‌ها» نمی‌کنند. در توصیف‌های خود عبارت‌هایی نسبی مانند «دقیقاً نمی‌دانم» و «فکر می‌کنم» و... را به کار می‌برند. به طور مثال: «از جاهایی که فکر کنم وابسته به شهرداری و ارگانی باشند در عیدهای مذهبی و قربان و... اینجا را چراغانی می‌کنند و مراسم دارند. قبلاً این جور نبود». می‌توان در مقایسه با دو گروه پیشین، «نادیده گرفتن آن‌ها» را ویژگی گروه سوم دانست.

۵.۲. مقوله‌ هسته‌ای؛ ابهام در همگانی بودن مکان

۵ مقوله‌ به‌دست‌آمده بر این دلالت دارند که ساکنان و کسبه‌ای که در گذشته مکان حضور داشته‌اند، حال در تلاش برای این‌همانی با مکان جدید، بیش از آنکه ذهنشان با جزئیات و کیفیت‌های فضایی درگیر باشد، سهم گروه‌های اجتماعی مختلف و اولویت آن‌ها نسبت به هم را به چالش می‌کشد؛ اینکه

شرکت‌کنندگان همچنین برای قضاوت درباره‌ی نتیجه‌ی پروژه، به نوعی «فاصله‌ ادعا تا عمل» را می‌سنجند. گروهی به نتیجه اعتماد دارند؛ به طور مثال معتقدند که این تغییرات «جنبه‌ی دینی و مذهبی منطقه را بالا برده است. حتی کسانی که ظاهر مذهبی ندارند شهدا را زیارت می‌کنند». اما گروهی دیگر معتقدند که «در مقایسه با گرفتاری‌ای که برای مردم پیش آمده، فعلاً که چیزی ندیده‌ایم». این گروه نه تنها فواید پروژه را قابل توجه نمی‌دانند، بلکه اهداف پروژه را نیز تخطئه می‌کنند: «چه برنامه‌ای؟ چیزی نیست که. یک روز تجمع دارند. همان روزی که دکان‌ها بسته است و هیچ کس نیست ... تا حالا که آیین مذهبی و فرهنگی خاصی ندیدیم...».

۵.۱.۴. تعمیم حس مکان

شرکت‌کنندگان برداشت شخصی خود را به کلیت مکان و گروه‌های اجتماعی تعمیم می‌دهند. به این منظور تصویری از یک «جناح‌بندی» می‌دهند که به نوعی دسته‌بندی گروه‌هایی متعارض است. به طور مثال: «برای آن‌ها خوب شده، اما برای ما نه. ما روز قتل تعطیلیم، ولی برای آن‌ها جا باز شده و ماشین نمی‌آید. برای خودشان همه کار کرده‌اند». ضمن آنکه قضاوت خود از واکنش‌های دیگران را به این دسته‌بندی تعمیم می‌دهند و نوعی «اغراق در توصیف واکنش‌ها»ی دیگران دارند. از نظر برخی «همه از این وضعیت ناراضی هستند» یا «هیچ کس از ساکنان در مراسم‌ها شرکت نمی‌کند. از کاسب‌ها که امکان ندارد». اما از نظر برخی دیگر، به طور مثال «این برنامه‌ها همه را جمع کرده در میدان امام حسین و تجمع خوبی است که همه اهالی محل دوست دارند و شرکت می‌کنند».

۵.۱.۵. حضور «آن‌ها»

بخش قابل توجهی از مفاهیم به‌دست‌آمده بیانگر قضاوت فرد از نسبت خود با «آن‌ها»یی انتزاعی است که متولی یا خواهان

است که اعتبار تغییرات مکان و در واقع اعتبار خود مکان جدید را به چالش می‌کشد. از این رو در ارتباط با پدیده هسته‌ای، مقوله «اعتبار مکان» به منزله «شرایط علی»، و مقوله «سرانجام مکان» که در پی بلاتکلیفی و نوسان‌ها چنین وضعیتی را تشدید کرده است، به منزله «شرایط زمینه‌ای» نقش می‌گیرند. افراد در مواجهه و ارزیابی وضعیت مبهم جدید، به لحاظ روانی سازوکارهایی ناخودآگاه را به کار می‌گیرند تا به گونه‌ای وضعیت جدید را بفهمند و به نتیجه‌گیری برسند تا بتوانند درباره آن تصمیم بگیرند. از این رو موضوع‌هایی را به طور هدفمند

چه کسانی با چه دلایلی و به نفع چه کسانی درباره تغییرات مکان تصمیم گرفته‌اند و فرد چقدر در جایگاه انتخاب و اختیار قرار داشته است. می‌توان گفت که اگر پیاده‌راه ۱۷ شهریور، در جایگاه فضایی همگانی، جایی است که به همگان تعلق دارد، در وضعیت جدید خیابان مزبور اینکه «همگان کیستند» مبهم است و این ابهام در حس مکان ساکنان و کسبه برجسته شده است؛ «ابهام در همگانی بودن مکان» پدیده هسته‌ای این تجربه است. آنچه زمینه‌ساز چنین حسی شده، سوالاتی در ذهن افراد

مفاهیم	مقوله‌ها	نوع مقوله	ابعاد تجربه تغییر یکباره مکان
چه لزومی داشت، که چه بشود، آرمان‌ها، اهداف طرح، زندگی ما، به چه قیمتی	توجیه‌پذیری مکان	شرایط علی	بعد سیاسی: دلایل تغییرات، اهداف، روندها و سهم گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفوذ
	مشروعیت مکان		
آینده چه می‌شود، بمانیم یا برویم، با ما چه می‌کنند، امکان پیش‌بینی آینده، کار را رها کرده‌اند، ناتمامی طرح اختلاف نظر مسئولین، تغییر تصمیم‌ها، اقدامات موقتی، هدف چیز دیگری است، دست‌های پشت پرده، مسئول کیست، از چه کسی بپرسیم،	بلاتکلیفی مکان	شرایط زمینه‌ای	بعد سیاسی: دلایل تغییرات، اهداف، روندها و سهم گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفوذ
	نوسان تصمیم‌ها		
	نیروهای نامرئی		
گذشته متفاوت، ارتباط منطقی با گذشته، بهتر یا بدتر شده، مثبت‌ها و منفی‌ها، چه چیزی در ازای چه چیزی، چه کرده‌اند، موفقیت پروژه، چقدر تفاوت کرده، نواقص طرح، هنوز چیزی ندیدیم، ناتوانی و شکست طرح	تصویرسازی از گذشته	تعاملی	بعد زمانی: مقایسه گذشته و امروز مکان بعد فضایی: ارزیابی ویژگی‌های فضای جدید بر اساس نیازهای روزمره
	مقایسه سود و زیان		
	فاصله ادعا و عمل		
تضاد منافع، فدا شدیم، به خاطر خودشان، برای خودشان، برای همه، رضایت هیچ‌کس یا همه، تقصیر خود مردم است، به نفع جامعه است،	جناح‌بندی مردم	تعاملی	بعد سیاسی: دلایل تغییرات، اهداف، روندها و سهم گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفوذ
	اغراق در توصیف واکنش‌ها		
از ما نیستند، آن‌ها، می‌آورندشان، به این‌جا تعلق ندارند، عدم اعتماد به آن‌ها گاهی هستند، در مواقعی کارهایی می‌کنند، کارشان درست است، جمع‌مان کرده، در مراسم‌ها با هم هستیم، اعتماد به آن‌ها	فاصله‌گذاری میان خود و «آن‌ها»	پیامدی	بعد سیاسی: دلایل تغییرات، اهداف، روندها و سهم گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفوذ
	نادیده گرفتن «آن‌ها»		
	همسویی با «آن‌ها»		

سهم گروه‌های اجتماعی (که خود را مثال یکی از آن‌ها می‌داند) به چالش می‌کشد. در عین هم‌پیوندی سه بعد مزبور، چنان‌که در جدول «ت ۱۰» نشان داده شده است، وزن هریک را می‌توان در مقوله‌های به‌دست‌آمده تشخیص داد.

۶. جمع‌بندی

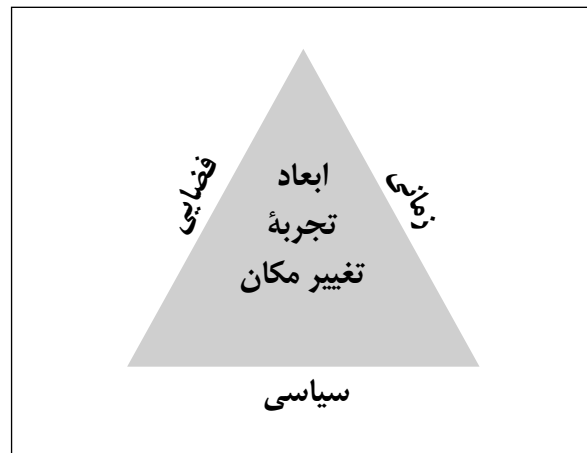
«ابهام در همگانی بودن مکان»، این مقوله هسته‌ای- پدیده- ماهیت تجربه شرکت‌کنندگان یا حس مکان ایشان را در وضعیت امروز پیاده‌راه توصیف می‌کند. بر اساس نقشی که هریک از ۵ مقوله به‌دست‌آمده نسبت به مقوله هسته‌ای یافته‌اند، مدلی پارادایمی به دست آمد که سناریویی است که فرایند شکل‌گیری تجربه «ابهام در همگانی بودن» را توضیح می‌دهد (ت ۱۲).

همچنین مقوله هسته‌ای به‌دست‌آمده به سازه نظری شناخته شده‌ای ارجاع می‌دهد که در جای خود ادبیات نظری گسترده‌ای را در بر می‌گیرد، یعنی همگانی بودن^{۶۴} فضای همگانی. این که همگان کیستند و رمز همگانی بودن فضا کجا است، از موضوعات کلیدی دسته‌ای از نظریه‌ها است که کوشیده‌اند معیارها و مشخصه‌هایی را برای سنجش همگانی بودن یک فضای همگانی عرضه کنند. از این رو مقایسه یافته‌های

گزینش و برجسته می‌کنند و قضاوت‌هایی قطعی و تعمیم‌گرانه بیان می‌دارند تا بتوانند برای خود به این ابهام و بلاتکلیفی نظمی بدهند. دو مقوله «برجسته‌سازی هدفمند» و «تعمیم حس مکان» بیانگر سازوکارهای روانی مزبور هستند و نقش «استراتژی‌ها» یا مقوله‌های «تعاملی» را برای پدیده هسته‌ای بازی می‌کنند. و اما پیامد تجربه «ابهام در همگانی بودن مکان» آن است که شرکت‌کنندگان «همگان» را دسته‌بندی یا جناح‌بندی می‌کنند تا بتوانند خود و اولویت‌های خود را به گروهی اجتماعی وصل و از گروهی دیگر جدا کنند. تجربه «حضور آن‌ها» مقوله «پیامدی» در این سناریو است (ت ۱۰).

۵. ۳. ابعاد تجربه تغییر یکباره مکان

در پاسخ به پرسش سوم پژوهش، مقوله‌های به‌دست‌آمده ابعاد تجربه ساکنان و کسبه در تغییر یکباره مکان را نمایان می‌کنند (ت ۱۱). چنان‌که در مرور ادبیات نظری مطرح شد، دو بعد فضایی و زمانی در ارتباط با تجربه تغییر مکان مهم دانسته شده است. اما مطالعات روان‌شناختی عمدتاً بر جنبه فردی چنین تجربه‌ای تمرکز دارند. درباره پیاده‌راه ۱۷ شهرپور، که فضایی همگانی است، معنایی که با قرار داشتن فرد درون جمع یا جامعه واقعیت می‌یابند نیز در حس مکان‌شان پررنگ شده است، واکنش ساکنان و کسبه فقط به خاطر تأثیر تغییرات بر زندگی خصوصی و حس مکان فردی آن‌ها نیست، بلکه حس آن‌ها از سهمی که نسبت به دیگر گروه‌های اجتماعی در این تغییرات داشته‌اند نیز بارز شده است، اینکه تصمیم‌ها چگونه و از طرف چه کسانی و به نفع چه گروه‌هایی گرفته می‌شود. از این رو «بعد سیاسی» نیز در کنار بعدهای فضایی و زمانی، و پررنگ‌تر از آن‌ها خود را به رخ می‌کشد^{۶۴}. هم‌پیوندی این سه بعد در همه مقوله‌های به‌دست‌آمده دیده می‌شود. فرد، با برشمردن ویژگی‌های مکان و ارزیابی کیفیت‌های فضایی و تغییرات آن و همچنین مقایسه امروز مکان با گذشته و آینده‌ای که در ذهن تصور می‌کند، هم‌زمان جایگاه و



۶۳ در اینجا منظور از بُعد سیاسی، سیاست روز نیست، بلکه منظور سازوکار تصمیم‌گیری و چگونگی تعریف سهم طرف‌های درگیر است.
64. Publicness

ت ۱۱. ابعاد تجربه‌ی تغییر مکان، مأخذ: نگارندگان.

پژوهش حاضر دربارهٔ وضعیت زندگی شدهٔ پیاده‌راه ۱۷ شهریور با نظریه‌های مزبور اهمیت می‌یابد. این دسته از نظریه‌ها به طور کلی با این پرسش اصلی از دیدگاه انتقادی به وضعیت امروز فضای همگانی نگریسته‌اند که فضای همگانی چگونه و توسط چه کسی تولید می‌شود. رویکرد انتقادی همگانی بودن فضا را

عمدتاً با تشخیص مرز آن با خصوصی بودن تعریف می‌کند. به طور مثال مدنی‌پور^{۶۵} با الهام از بن و گاس^{۶۶} سه مؤلفه برای همگانی بودن فضا تعریف کرده است؛ دسترسی^{۶۷} (دسترسی به فضا و فعالیت‌های جاری در آن)، نهاد^{۶۸} (منبع تصمیم‌سازی و کنترل‌کنندهٔ فضا) و خواسته‌ها^{۶۹} (اهداف و خواسته‌هایی که فضا بدان پاسخ می‌دهد). به این معنی که اگر این سه مؤلفه همگانی باشند، فضا نیز همگانی است. یعنی دسترسی به فضا و فعالیت‌های آن برای همگان میسر باشد، کنترل فضا و تصمیم‌ها در اختیار نهادهای دولتی و عمومی باشد (نهادهایی که نمایندهٔ مردم هستند) و فضا به خواسته‌ها و نیازهای همهٔ گروه‌ها پاسخ دهد. کان نیز همگانی بودن را با سه مؤلفهٔ مالکیت، دسترسی و میان-ذهنی بودن (تعامل و برخوردهایی اجتماعی که فضا فراهم می‌کند) تعریف می‌کند^{۷۰}. در مدل نظری جرمی نمت و استفان اشمیت نیز هر چه مالکیت و مدیریت مکان از نظر استفاده‌کنندگان همگانی‌تر باشد، فضای همگانی‌تری است^{۷۱}.

دربارهٔ پیاده‌راه کردن خیابان ۱۷ شهریور ارزیابی مکان بر اساس مفاهیم و مدل‌های مزبور پژوهشی مستقل خواهد بود، اما می‌توان گفت در چشم‌انداز متصور برای آیندهٔ این پیاده‌راه، فضای همگانی سرزنده‌ای خواهد بود که گذشته از هم‌پیوندی با زندگی ساکنان، یکی از مقاصد تفریحی و خرید در شهر و محل گرد هم آمدن گروه‌های اجتماعی مختلف در رویدادهای جمعی آیینی خواهد بود. به بیانی دیگر می‌توان گفت که بر اساس مدل نمت و اشمیت، با پیاده‌راه کردن خیابان مزبور سه بعد استفاده‌کنندگان، مالکیت، و مدیریت به سمت همگانی‌تر شدن سوق می‌یابد. اما با توجه به مقولهٔ هسته‌ای به‌دست‌آمده در این پژوهش که توصیفگر حس مکان ساکنان و کسبه است، به نظر می‌رسد این‌گونه چارچوب‌های نظری تعمیم‌پذیر نمی‌توانند توصیفگر ماهیت همگانی بودن فضا در حس مکان افراد باشند. به طور مثال در خیابان مزبور می‌توان طیف متنوعی از گروه‌های اجتماعی و استفاده‌کنندگان را دید، اما در حس مکان



۶۵ نک:

A. Madanipour, "Why Are the Design and Development of Public Spaces Significant for Cities?"

۶۶ نک:

S.I. Benn & G.F. Gaus, "The Public and the Private".
67. Access
68. Agency
69. Interests

۷۰ نک:

Benn & Gaus, ibid.

۷۱ نک:

J. Nemeth & S. Schmidt, "The Privatization of Public Space: Modeling and Measuring Publicness".

ت ۱۲. مدل پارادایمی یافته‌های پژوهش، مأخذ: نگارندگان.

چیستی یک مکان، به طور مثال همگانی بودن آن، پدیده‌ای تجربه‌شده و زندگی‌شده است و نمی‌توان آن را با معیارهایی عینی مشخص و تعریف کرد؛ جایی همگانی است که فرد آن را همگانی حس کند^{۷۲}؛ یک مکان مشخص ممکن است در تجربه یک فرد یا گروه جایی همگانی (برای همه) باشد و در تجربه فرد یا گروهی دیگر این‌گونه نباشد. شناخت این تفاوت‌ها برای تصمیم‌گیری درباره تغییرات یک فضای همگانی اهمیت می‌یابد، به طور مثال اینکه موضع «چه کسانی» در تعریف اهداف و فرایند تغییرات در اولویت قرار بگیرد.

شرکت‌کنندگان نوعی جناح‌بندی اجتماعی- همراه با نشانه‌های فیزیکی نماینده آن‌ها- برجسته شده است؛ از دید ساکنان و کسبه خواسته‌های گروه‌هایی بر دیگر گروه‌ها در اولویت قرار گرفته که برخی آن را به‌حق و توجیه‌پذیر می‌دانند و برخی ناحق. این موضوع اهمیت دستة دیگری از مطالعات را یادآور می‌شود که، از موضع پدیدارشناسی، برای فهم «حس همگانی بودن» و معناهای حامل آن به تجربه واقعی افراد مراجعه کند؛ و با تمرکز بر مکان و گروه‌های اجتماعی مشخص، به تفسیر ذهنیت افراد از همگانی بودن آن مکان پردازد. از این موضع،

منابع و مآخذ

Choosing among five Approaches, SAGE, 2007.

Devine- Wright, Patrick. "Rethinking NIMBYism: The Role of Place Attachment and Place Identity in Explaining Place-protective Action", in *Journal of Community & Applied Social Psychology*, No. 19 (2009), pp. 426-441.

Jorgensen, Bradley S. & Richard Stedman. "Sense of Place as an Attitude: Lakeshore Owners Attitudes toward their Properties", in *Journal of Environmental Psychology*, Vol 21, Issue 3, (September 2001), pp. 233-248.

Kohn, M. *Brave New Neighborhoods: The Privatization of Public Space*, New York: Routledge, 2004.

Kudryavtsev, Alex, Richard C. Stedman and Marianne E. Krasny. "Sense of Place in Environmental Education", in *Environmental Education Research*, Vol. 18, No. 2 (April 2012), pp. 229-250

Madanipour Ali, "Why Are the Design and Development of Public Spaces Significant for Cities?", in *Environment and Planning B: Planning and Design*, No. 26 (1999), pp. 879-891.

Million, M.L. *It Was Home: A Phenomenology of Place and Involuntary Displacement as Illustrated by the Forced Dislocation of five Southern Alberta Families in the Oldman River Dam Flood Area*, Doctoral dissertation: Saybrook Institute Graduate School and Research Center, San

لک، آزاده. «کاربرد نظریه زمینهای در پژوهش‌های طراحی شهری»، در صفحه، ش ۶۴ (بهار ۱۳۹۳)، ص ۴۳-۶۰

گلرخ، شمین. «ابعاد هویت مکانی در تجربه فضای تجربی؛ زنان جوان (۲۳-۳۵) ساکن تهران»، در نشریه صفحه، ش ۶۶ (پاییز ۱۳۹۳)، ص ۸۰-۹۷.

_____ . «مکان و هویت شخصی: نقش محیط کالبدی در شکل‌گیری «حس خود»»، در نشریه علمی- تخصصی شهر و معماری بومی (دانشگاه یزد)، ش ۳ (پاییز و زمستان ۱۳۹۱)، ص ۹۷-۱۰۸.

Bachelard, Gaston. *The Poetics of Space*, New York: Orion, 1969.

Benn, Stanley I. & Gerald F. Gaus. "The Public and the Private", in: Benn Stanley I. & F. Gaus Gerald (eds), *Public and Private in Social Life*, New York: St Martin's Press, 1983, pp. 3 - 30.

Bonaiuto, M. & G.M. Breakwell & I. Cano. "Identity Processes and Environmental Threat: The Effects of Nationalism and Local Identity upon Perception of Beach Pollution", in *Journal of Community & Applied Social Psychology*, No. 6 (1996), pp. 157-175.

Brown, B., & D. Perkins. "Disruptions in Place Attachment", in I. Altman, & S. Low (eds.), *Place attachment*. New York: Plenum Press, 1992, pp. 279-301.

Creswell, John W. *Qualitative Inquiry and Research Design:*

——— "A Way of Seeing People and Place: Phenomenology in Environment- Behavior Research", In Wapner, S. & J. Demick & T. Yamamoto and H. Minami (eds.), *Theoretical Perspectives in Environment-Behavior Research*, New York: Plenum, 2000, pp. 157-78.

Stokolos, Daniel & Sally Shumaker & John Martinez. "Residential Mobility and Personal Well-being". in *Journal of Environmental Psychology*, No. 3 (1983), pp. 5-19.

Strauss, A. & J. Corbin. *Basics of Qualitative Research: Grounded Theory, Procedures, and Techniques*, Newbury, CA: Sage, 1998.

Tuan, Yi-Fu. *Topophilia: A Study of Environmental Perception, Attitudes, and Values*, Columbia University Press, 1974.

———. *Space and Place: The Perspectives of Experience*, Minneapolis: University of Minnesota Press, 1977

Varnaa, George & Steve Tiesdell. "Assessing the Publicness of Public Space: The Star Model of Publicness", in *Journal of Urban Design*, Vol. 15, No. 4 (2010), pp. 575-598

Francisco, California, 1992

Nemeth, Jeremy & Stephen Schmidt. "The Privatization of Public Space: Modeling and Measuring Publicness", in *Environment and Planning B: Planning and Design*, Vol. 38, (2011), pp. 5-23

Relph, Edward. "Geographical Experiences and Being-in-the World: The Phenomenological Origins of Geography", in Seamon, David & Robert Mugerauer, *Dwelling, Place and Environment*, New York: Columbia University Press, 1985, pp. 15-33.

———. *Place and placelessness*. London: Pion Limited, 1976.

Seamon, David. "The Phenomenological Contribution to Environmental Psychology", in *Journal of Environmental Psychology*, Vol 2, No. 2 (1982), pp. 119-140.

———. "Emotional Experience of the Environment". in *American Behavioral Scientist*, Vol. 27, No.6 (1984), pp. 757-770.